

دکتر محمد امین
Date:

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: اصول فقہ ۵

۱۳، ۷، ۱۴۰۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

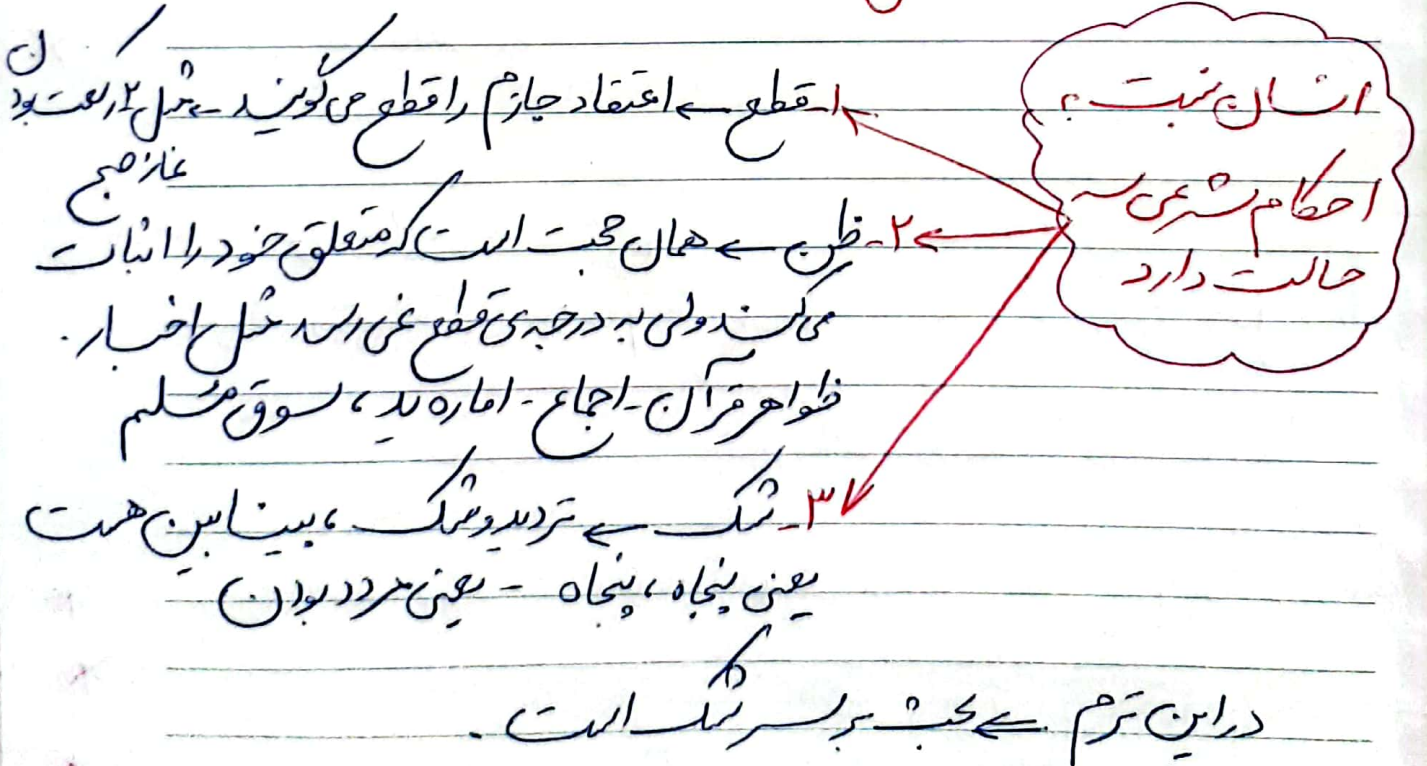
جلد اول

منبع سے جلدیہ اصول فقہ - محمد علی فرض خراسانی - جلد سوم

اصول فقہ منظم سے منطبق باقانون مدنی کنونی

نویسندہ محمد اسرار دیوبند - انتہا اہل حد

مباحث فقہ اصول فقہ برای ازبک جامع سے عاقل و خاص، مطلق و مفید - اصول عملیہ
اوامر و نواہی - برائت



ادله اجتهادی ← کتاب، سنت، عقل، اجماع

در کتبی ابواب جاری می شود

اصول عملیه عام

حجت عامه است

اصول عملیه خاص

در عبادات جاری می شود مثل اصل ابا یا اصل طهارت

انواع ادله داریم

ادله فقهی ← اصول عملیه

اصل برائت

اصل تخیر

اصل احتیاط

اصل استصحاب

اصول عملیه عام بر اقسام هستند

☆ چرا می گویند اصول عملیه عام ← چون در کتبی ابواب فقهی جاری می شود

تعریف اصول عملیه

قواعدی هستند فقیه در مقام استنباط (بعد از فحص از دلیل و یأس

از آن) برای رفع تکلیف و سردرگمی از ان استفاده می کنند.

* مجرای برائت ← تک در اصل تکلیف نمی دانم این حرام است یا نه؟

* مجرای تخیر ← دوران بین محذورین ← حرام، واجب

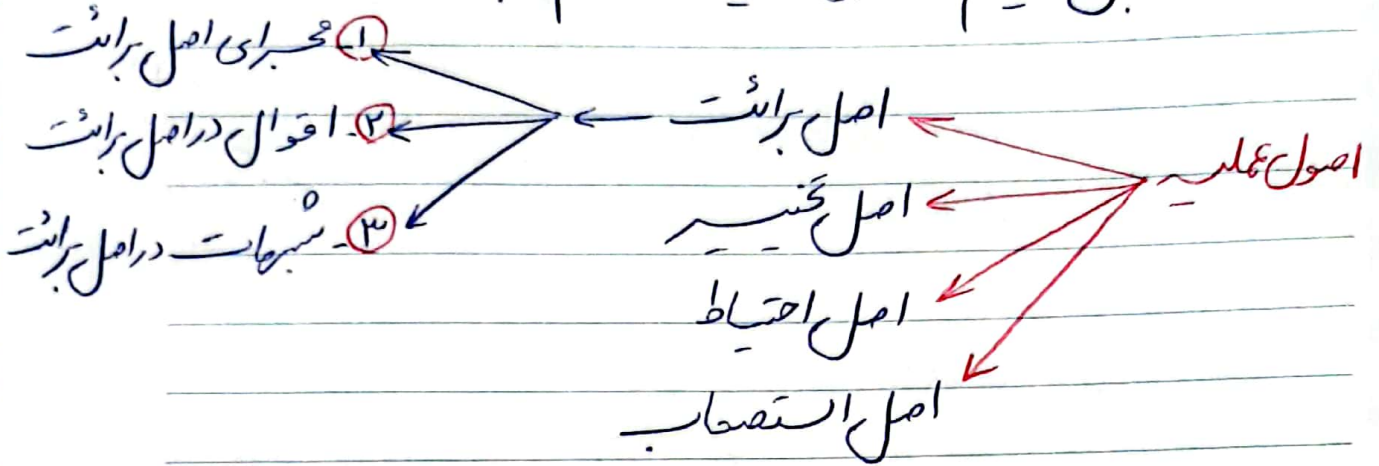
* مجرای احتیاط ← تک در مکلف به ← چون اصل تکلیف را نمی دانم

* مجرای استصحاب ← حالت سابقه دارد ← یقین سابق تک لاحق

جله دوم

توضیحا در ادامه می‌دهم

در حلقه قبل گفتیم که اصول عملیه ۴ قسم می‌باشند.



۱- محبرای اصل برائت = سنگ در اصل تکلیف = یعنی تکلیف را نمی‌دانیم

مثال: سیگار کشیدن
شرب قوتون

حرام است یا نه؟
واجب ~ ~ ؟
مباح ~ ~ ؟
مدرود ~ ~ ؟

۲- احوال در اصل برائت = اصولیون (مجهودون)

۴- اخباریون

۱- اصولیون = سنگ در اصل تکلیف = اصل برائت را جاری می‌مجد و اولی شرعی نیست

دلائل اصولیون

۱- کتاب = ما کننا معذین حتی یبعث رسولاً ما هیچ کس را غذا نمی‌کنیم تا زمانی که پیامبری برآید

۲- روایات = حدیث رفع = رفع عن امة تسعة

۳- اجماع = طبق روایات

۴- عقل = قاعده قبح عقاب بلا بیان

۱۴۰۲، ۷، ۲

Date:

اخباریوں کے محل فیض کاشانی - علامہ مجلسی - محمد امین السبکی

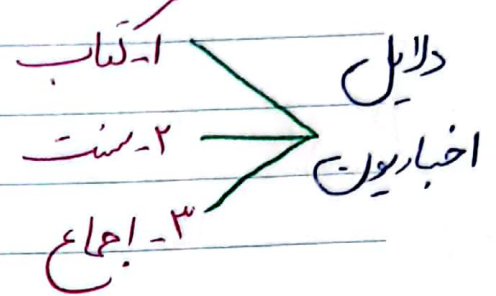
Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

۲- اخباریوں سے شد دراصل تکلیف سے باہر احتیاط کرد

بہ علت دفع ضرر احتمالی عند شہادت

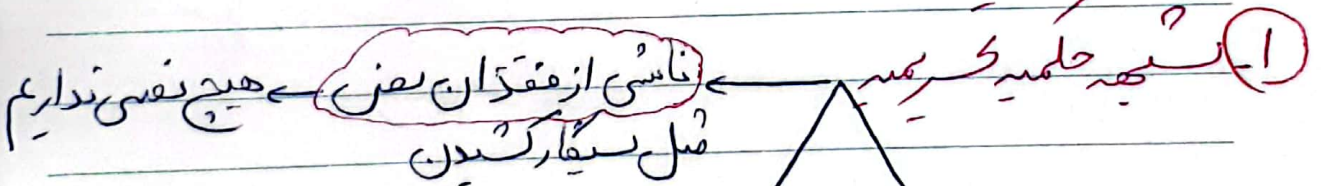
نکتہ: اخباریوں نے عقل راہ عنوان دلیل قبول نداشتند



- ① سبب حکمہ تحریمہ
- ② سبب حکمہ وجوبہ
- ③ سبب حکمہ موضوعہ

۳- شہادت دراصل برائت

تقسیم بتدی شیخ انصاری ہی بار شد



خاصی از اجمال رضی سے اجمال دارد مثل
 الفناء حرام یا حدیث خواندن در وارهی غنا
 وادعی شود یا خیر؟ اجمال دارد
 یا بنی زدن یا آخذن های محلی سے مجتہدین
 چون اجمال دارد اصل برائت را جاری می کنند

خاصی از تعارض نصین
 دو تار و اسب داریم مثلاً
 در روایت آمده نماز جماعتاً واجب است
 و در روایت دیگر نماز جماعتاً حرام می دانند
 در تعارض نمی توانیم هیچ کدام را کنار بگذاریم
 اصل برائت را جاری می کنیم

(۲) سبجہ حکمیہ و جوبیہ ← ناسی از فقدانِ نسیء ← مثل و جوب دعا حفظ

دینِ هلالِ ماه ← اصل برائت را جاری می‌کنیم

ناسی از تعارضِ نسیء ← ناسی از اجمالِ نسیء ← مثل صل ← اگر به نماز

اجمال به وجوب نماز یا استحباب نماز به نماز واجب است یا خیر؟ اصل برائت را جاری می‌کنیم

نظر اصولیون و شیخ انصاری

در تعارضِ نسیء اصل خیر را جاری می‌کنیم ← مثال برخی می‌گویند نماز جمعه واجب است. برخی می‌گویند نماز جمعه غیر واجب

* نظر اخباریون در این مورد ← محمد امین استرآبادی، رئیس اخباریو می‌گوید: در

سبجہ حکمیہ و جوبیہ، چه ناسی از فقدانِ نسیء و چه ناسی از اجمالِ نسیء وجه ناسی از تعارضِ نسیء باطل است، معتقد است که باید اصل احتیاط کنند.

در این جایب کتب است

(۳) سبجہ حکمیہ موضوعیہ ← سبجہ حکمیہ موضوعیہ بحر صید ← مثل اندلیسین

فایع شراب است یا خیر؟ ← برائت جاری می‌کنیم

در این جایب کتب و جوب است

سبجہ حکمیہ موضوعیہ و جوبیہ ← مثل دارویی که بزرگ بجز می‌گردد، مصرف این دارو واجب است یا خیر؟ خوردن داروی بزرگ واجب نیست

در سبجہ حکمیہ موضوعیہ اصولیون و اخباریون اختلافی ندارد.

جنب سوم

محل اجزای اصل برائت ← شد در اصل تکلیف

اصل برائت

- ۱- شبهات حکمیة تحریمیة
- ۲- شبهات حکمیة وجوبیة ← محل بحث این جنبه
- ۳- شبهات حکمیة مؤنویة

شبهات

۱- اصولیون

اقوال

۲- اخباریون

شبهات حکمیة تحریمیة ← ۱- نامی از فقدان نفس ← اصل برائت جاری نمیکنیم

۲- نامی از اجمال نفس ← اصل برائت جاری نمیکنیم

۳- نامی از تعارض دو نفس ← در این جا اقول وجود دارد
مثال: یک روایت میگوید حرام است روایت دیگر
میگوید حرام نیست به گونه ای که هیچ یک از دو روایت
بر دیگری ترجیح ندهد.

قول اول

برخی میگویند اصل تخنیر جاری میکنیم

چون دلیل داریم (روایت)

قول دوم
برخی دیگر میگویند توقف میکنیم
بعد عمل به احتیاط میکنیم برای
دفع خطر

۱۴۰۲، ۸، ۴

Date: / /

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: / / /

تفکر کل حرموم اخوند خرابانی در اصل برائت

اگر در وجوب چیزی یا حرمت آن شک کنیم و دلیل هم بر وجود تکلیف

نداریم یا شک در نسخ یا از نظر شرعی و عقلی می توانیم محتمل الوجوب را ترک کنیم

و محتمل الحرمة را عمل کنیم (مثلاً وجوب دعا هنگام رویت هلال ماه) آیا دعا واجب است؟
این محتمل الوجوب است

یا شرب تو تنون یا کسین بیکار حرام است؟

این محتمل الحرمة است

نتیجه این که:

محتمل الوجوب را انجام نده و محتمل الحرمة را انجام بده

دلایل اصولیون در اصل برائت

* به چه دلائلی اصولیون در شک در اصل تکلیف برائت جاری می کنند؟
ادله ی اربعه

ادله ی اربعه

۱- کتاب - در صفحه بعد به طور مفصل بیان می پردازیم

۲- سنت - حدیث رفع

۳- اجماع - اجماع منقول قاعد حجیت است لذا مقبول نداریم

۴- عقل - قاعده عقاب بالابان قبیح است
بیان قبیح است ✓

۱۴۰۲، ۸، ۴

Date:

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

تفکر کل حرمم اخوند خراسانی در اصل برائت

اگر در وجوب چیزی یا حرمت آن شک کنیم و دلیل هم بر وجود تکلیف

نداشتیم با شک در نسخ یا از نظر شرعی و عقلی می توانیم محتمل الوجوب را برگزینیم

و محتمل الحرمة را عمل کنیم (مثلاً وجوب دعا هنگام رویت هلال ماه) آیا دعا واجب است؟
این محتمل الوجوب است

یا شرب توتون یا کشیدن سیگار حرام است؟

این محتمل الحرمة است

نتیجه این که؟

محتمل الوجوب را انجام نده و محتمل الحرمة را انجام بده

دلایل اصولیون در اصل برائت

* به چه دلایلی اصولیون در شک در اصل تکلیف برائت جاری می کنند؟
ادله ی اربعه

ادله ی اربعه

۱- کتاب - در صفحه بعد به طور مفصل بیان می پردازیم

۲- سنت - حدیث ارفع

۳- اجماع - اجماع منقول فامد مجتبت است لذا اصول گزاریم

۴- عقل - قاعده عقاب بلا بیان قبیح است
بیان قبیح است

کتاب

سوره اسراء آیه ۱۵ سے ماکننا معذبین حتی نبعثت رسولاً سے ماہم
کسی را عذاب نہیں دھیم (نہیں کہیں) مگر انکے پیغمبری کے لیے انہیں فرستادے گا کہ ہم سے ہیں

تکلیف = بیان | عدم بیان = عدم تکلیف

پس تا تکلیف بیان نہ ہو خداوند کسی را عذاب نہیں کرے گا

↓ اسکا سوال مرحوم اخوند بہ این دلیل کتاب ازادہ اربعہ اصولیوں ↓

اس آیه (۱۵ سورہ اسراء) دلائل پر ادعای عائدہ اصولی ادعای عالیہ ہے

کہ اگر کسی شخص کو وجوبہ راجح کر دیا مملوک الحرہ را عمل کند عذاب
محمل الوجوب

عن لُود افا آیه فوق فعلیت عذاب را نفی کرے کہ نفی فعل در این جا

اعم از نفی استحقاق است والے کسی بلوید کہ بیخ استحقاق و فعلیت

عذاب، ملازمہ است یعنی استحقاق عقوبت بہ دنبال آن فعلیت عقوبت

ہے آید در این جا لفظ عن لُود باز ہم استدلال ہے این آیه صحیح نسبت ذرا اولاً عن لُود

عائل بہ ملازمہ شد چون بین استحقاق و عقوبت ملازمہ نسبت چون عطف است

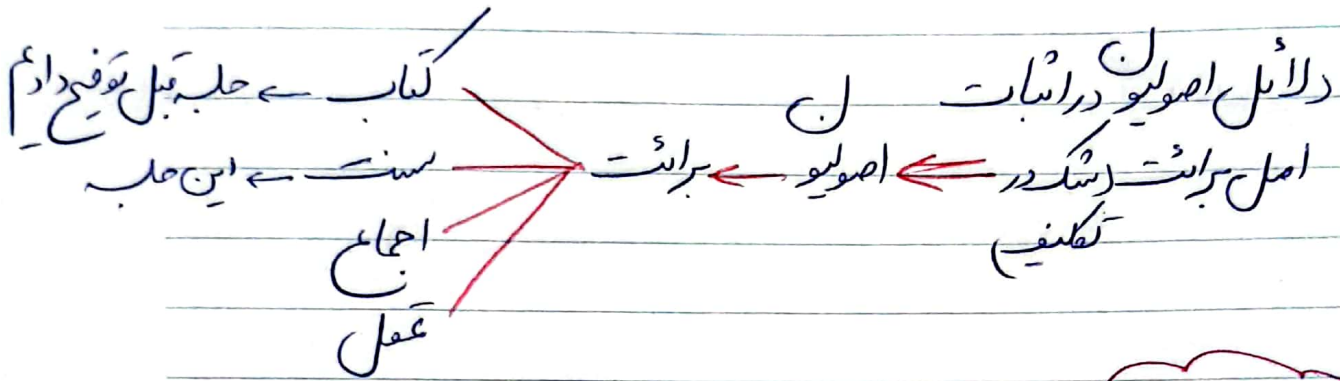
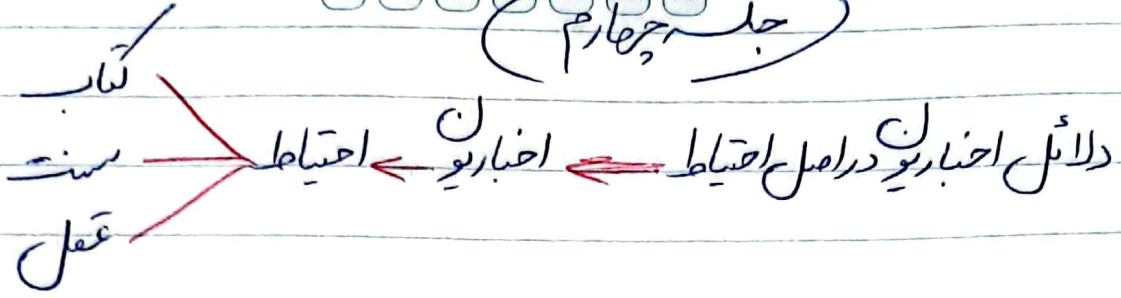
خداوند عقوبت دہم انکے استدلال ہے آیه جنبہی جہدلی دارد اما در این جا جنبہی
برہانی دارد کہ جنبہی جہدلی را مستدلیں قبول نہ کرند

Date: ۱۳۰۲/۸/۱۱

Sat. Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: -----

جلد چہارم



۲- سنت ۵۰

محل بحث حدیثی

حدیث رفع ← رفع عن امتی سے رفع ہا لا یعلمون

(ہا) دلالت بر حیزہ مسلوک و محمول علیہ یعنی الزام برداشتہ شدہ ہے در محل بحث ما مسلوک الحرمہ برداشتہ شدہ و در تقدیر مواخذہ است ← یعنی رفع و مواخذہ برداشتہ شدہ و اگر مثلاً مضطرب شدی مواخذہ

مذہب شافعی

در این دلیل (سنت) اشکال گرفته اند، این کہ مواخذہ در تقدیر سنت

در اسخ حدیث یک اصل تعددی است یعنی رفع عن امتی یک اصل

تعددی است و روایت است ولی مواخذہ و استحقاق عقوبت آثار عقلی است

و از آثار غیر سنتی سے تعددی نمی توانند آثار عقلی را بردارند.

در ادعای پاسخ عموم آخوندیہ این اشکال

پانچ مرحوم آخوند خراسانی پر اپنی اشکال

الر حیدر استحقاق عقوبت، مستقیماً اثر شرعی نسبت اما با واسطہ اثر شرعی
 می شود (یعنی مثلاً احتیاط احتیاط اثر شرعی است) کہ اثر شرعی کہ با ایجاب
 احتیاط بر آن بار می شود یعنی وقتیکہ احتیاط واجب شود اثر مکلف مخالفت
 کند مستحق عقاب است → (این اثر شرعی است) ← مثلاً در بیان سخن دانی
 قبیلہ نجاست و نماز خوفانی عقاب می شود و باید احتیاط کنی و از طرف نماز بخوابی
 لذا وقتی کہ حدیث رفع من آید، حدیث رفع دلالت می کند بر این کہ چیزی که
 منسلک الحرمہ باشد احتیاط در آن واجب نیست ← بنابرین ← مکلف
 در صورت مخالفت عقاب نمی شود ← (چون عقاب بلا بیان بقیع است)

۳- اجماع

محصل ← محبت است (اجماع محصل یا تقدیری کہ مأموف
 از قول معصوم است)
 منقول ← محبت نیست
 مدرک ← محبت نیست (اجماع مدرک مستند بر روایا است)

مرحوم آخوند خراسانی ← اجماع را قبول نداریم زیرا اجماع منقول است و اجماع
 منقول محبت نیست تنها اجماعی محبت است کہ اجماع محصل باشد و حاصل از
 قول معصوم باشد کہ آن هم محال است.

۱۴۰۲، ۸، ۱۱

Date:

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

سبق قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان یعنی مواخذة بدو محبت و بدون بیان

مثلاً درایت

۴ عقل

قبح است.

اشکال برده

بر این که قاعده دفع ضرر محتمل می‌گوید نه در مسلک الحرفه باید احتیاط کرد مثلاً (سیگار نکند) لذا در این جا چون دفع ضرر محتمل واجب است این قاعده

نسبت به قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان مقدم است لذا باید احتیاط کنیم پس چرا می‌گویند درایت؟؟؟

جواب اشکال

قاعده‌ی وجوب دفع ضرر احتمالی مربوط به شبهات مقرون به علم اجمالی است

اما قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان در جای است که ما علم اجمالی نداریم و این

قاعده نمی‌لذارد قاعده‌ی دفع ضرر احتمالی احراز شود تا احتیاط واجب

باشد.

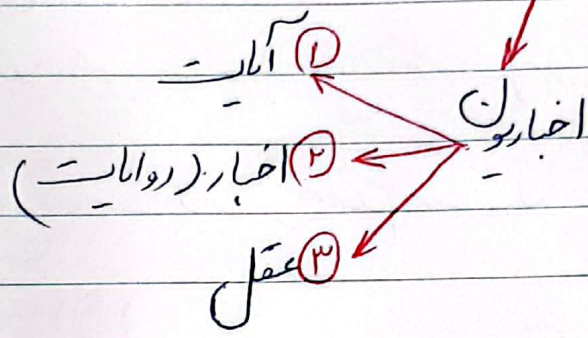
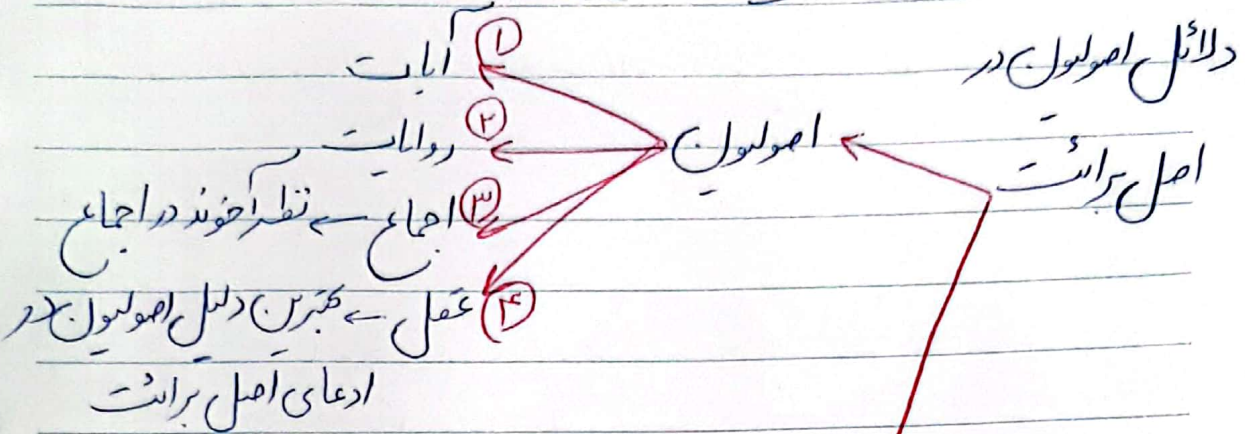
۱۴۰۲، ۸، ۲۵

Date: / /

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: _____

حجت بنجم



دلیل رسوم اصولی در اصل برائت

اجماع

لیکن از دلائل اصولی برای اثبات اصل برائت درست در اصل تکلیف اجماع است و آن هم اجماع منقول و (اجماع منقول و اجماعی است که دیگران نقل می کنند یا منقول به خبر واحد یا منقول به اقوال فقهاست)

آیا این اجماع می تواند دلیل بر اثبات در اصل برائت درست در اصل تکلیف باشد؟

نظر رسوم اخوند چون این گونه اجماع، اجماع منقول است حجت نیست زیرا

ما اجماعی را حجت می دانیم که حاصل یعنی کاشف از قول معصوم باشد و اجماع

محصل هم محال است لذا اجماع بها هو اجماع نمی تواند هیچ گونه کارشفتنی داشته باشد

دلیل چهارم اصولیون در اصل برائت

عقل

چهارمین دلیل اصولیون برای اثبات ادعای خودشان در اصل برائت به عقل علم

می کنند که مواخذه یا عقاب بلا بیان و ادله قبیح است. طبق قاعده‌ی

قبح عقاب بلا بیان به مواخذه قبیح است.

نفس مرسوم اخوند به دلیل برای اثبات ادعای اصولیون بر اصل

برائت عقل است و چنانچه کسی ادعا کند که قاعده‌ی وجوب دفع ضرر

احتمالی و قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان مقدم است در پاسخ گفته می شود که

قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان مقدم است و نمی تواند در موضوع قاعده‌ی وجوب

دفع ضرر احتمالی موجودیت پیدا کند یعنی محرز شود.

تا اینجا به بررسی دلایل اصولیون در اصل برائت پرداختیم

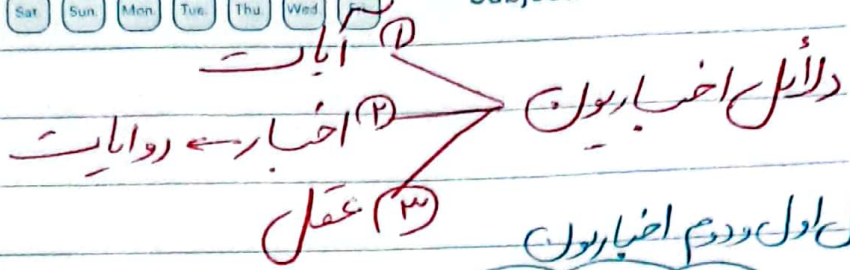
و حال به سراغ دلایل و تقاضای اخباریون می رسیم.

۱۴۰۲، ۱، ۲۵

Date: / /

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: -----



① و ② آیات و اخبار (روایات)

در هر صورت باید درنگ در اصل تکلیف احتیاط کرد و دلیل دارند.

دلیل اول آیات است آیه اول سوره اسراء آیه ۳۴ من فرغاید از غیر علم و سیروی ننگید آیه دوم سوره بقره آیه ۱۹۵ من فرغاید خود را با دستا خود به حلالهت ترسانید

دلیل دوم روایات یاها اخبار است ① اخباری که دلالت بر وجوب احتیاط می کنند ② اخباری که دلالت بر وجوب توقف می کنند

پاسخ هر دو آخوند ما قبول نداریم که آیات و روایات دلیل بر وجوب احتیاط

باشند زیرا آیات و اخبار (روایات) صلاحیت بیان بودن را دارند و

الکبریانی بار شافع مقدس می تواند ما را عقاب کند اما در این جا بیان شد

و اولاً روایات که احرب احتیاط می کنند اجراء شادی است نه مولوی و دلالت بر

مانند روایاتی که دلالت بر وجوب توقف می کنند مربوط به شجاعت واجب مستقبر

۱۴۰۲، ۱، ۲۵

Date:

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

بدوی قبل از فحص هستند (یعنی شبه بدوی دارد) که در شجاعت بدوی
بعد از فحص ما به اصل برائت تمسک می‌کنیم و در شجاعتی که توأم با علم اجمالی
است ما قائل به وجوب احتیاط هستیم.

دلیل سوم اخباری
(۳) عقل

سومین دلیل اخباریون عقل است. اخباریون می‌گویند که در این جا ما طبق
حکم عقل باید احتیاط کنیم زیرا عقل می‌گوید استغفال یقینی به محرمانه واقعی
در اسلام، استدعا دارد به اینک ما به برائت یقینی برسیم یا به فراغت
یقینی برسیم.

لذا عقل در این جا طبق این قاعده حکم به احتیاط می‌کند و موضوع آن را ضرر

محمّل می‌دانند
پاسخ مرحوم آخوندی در پاسخ جا عقل حکم می‌کند که ما در نوع علم داریم یکی

علم اجمالی دوم علم تفصیلی داریم در این جا ما طبق امارات (اخبار - روایات)
ادعا داریم که علم اجمالی اخلال پیدا می‌کند یک به علم تفصیلی دوم به شدت
بدوی، که ما در این جا به تکالیف علم تفصیلی نداریم (علم تفصیلی یعنی واقعا بدانیم)
باقی می‌ماند که بدوی، که ما در شجاعت حکمیه اصل برائت را جاری می‌کنیم و

۱۳۹۲، ۱، ۲۵

Date:

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: -----

در این جا علم اجمالی چون اخلال پیدا می کند فایده ای ندارد و مفید و موثر

مولوی احتیاط است **اخلال علم اجمالی یعنی چه؟**

اصول تخییر

محل اجرای اصل تخییر

تخییر استمراری

تخییر بدوی

انواع تخییر

اقوال اصولی در امالة التخییر

نظر حرصم آخوند خراسانی در امالة التخییر

حکم عقل در دوران سبغ مخزورین چیست؟

امالة التخییر

اصل تخییر

محل اجرای امالة التخییر چیست؟

دورانی که واجب و حرام در جمیع احوال ندارد

در جاهایی که دوران احرام است و حکم الزامی باشد یا سبغ مخزورین باشد

انواع تخییر

تخییر استمراری

تخییر بدوی

دو نوع تخییر داریم

۱۳۰۲/۱/۲۵

Date:

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

تخصیر التمراری

یا توجیه به این که ما بین دو حکم الزامی قرار داریم در حرحله اول حکم به وجوب می کنیم و آن را انجام می دهیم مثلاً یک هفته می نویسیم نماز جمعه واجب است و در هفته ی بعد می نویسیم نماز جمعه حرام است و نماز ظهر می خوانیم این تخصیر التمراری است.

تخصیر بدوی

امثال از همان ابتدا یک طرف را اختیار می کنند و همیشه همان را انجام می دهند یا می نویسند نماز جمعه واجب است و همیشه می رود و می خوانند یا بگوید نماز جمعه حرام است

مشهور اصولیون ← اصل بر تاختیر بدوی است نه التمراری

اما شیخ انصاری معتقد است ← اصل بر تاختیر التمراری است زیرا همان

گونه که در ابتدا عقل اختیار دارد که یک طرف را اختیار کند در مراحل بعدی هم عقل اختیار دارد طرف دیگر را اختیار کند.

اقوال اصولیون در اصالة التخصیر

۱- قول وجود دارد.

قول اول ← در دوران بین محذورین هم برائت عقل جاری می شود هم

۱۴۰۲، ۱، ۲۵

Date: / /

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: -----

برائت نقلی (یا شرعی - روایت) حول عموم قاعده فتح عقاب بلا بیان و

حالا بعلمون شامل این مورد می شود

قول دوم ^{ترجیحی نباشد} یعنی از دو طرف به طور تعین انتخاب می شود و چنانچه مرجحی نباشد حکم به تخیر می کنیم

قول سوم ^{برگردد یا ننگد} انسان از نظر عقلی بین اینک انجام بدهد یا ندهد مختار است و پس از نظر حکم شرعی باید توقف کرد و نمی توان به هیچ طرف حکم کرد

قول چهارم ^{مهم} مختار آخوند خراسانی ^{مهم} که می گوید در مقام عمل تاخیر عقلی است و پس در مقام حکم شرعی، حکم به اباحه می کنیم (یعنی عقل لغتاً طرف وجوب را انجام بده یعنی اشکالی ندارد و مباح است چون عقل تقصیر

* از نظر آخوند اباحه یا وجوب و حرمت هیچ منافاتی ندارد چون در این جا

اولاً ^{مهم} اباحه حکم ظاهری است ^{مهم} نتوانسته ^{مهم} ثانیا ^{مهم} حکم واقعی که پس وجوب و حرمت مُردد است اثریاب موافقت التزام ما به هر دو ملتزم هستیم

نکته ^{مهم} در دوران بین معذورین ^{مهم} تاخیر عقلی است در تعارض خبرین ^{مهم} تاخیر شرعی است

۱۴۰۲، ۱، ۲۵

Date:

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

تاخیر عقلی است که مباح است

اشکال به مرحوم آخوند

حوا در دوران بین مخدومین سما به ایاچه علم می کنید و در تقاض
خبرین به تاخیر شرعی علم می کنید؟

پاسخ مرحوم آخوند بر این اشکال

درمانه تقاض خبرین ما دو ملاک داریم یا حجیت اخبار از باب سبب
است یا از باب طریق ← اگر از باب سبب باشد می گوئیم که بسیاری

از روایتی که دلالت بر خوبی می کند مصلحت کامل دارد و همچنین بسیاری

از روایتی که دلالت بر حرمت می کند باز هم مصلحت کامل دارد بنا بر این

قابل به تاخیر عقلی می شویم و خیاخه از باب طریقیت باشد می گوئیم

که هر یک از این دو روایت واحد ملاک حجیت است (یعنی هر

روایتی بگنیم حجیت است) و مطابق با واقع است لذا قابل به تاخیر

شرعی هستیم

جلد ششم

واجب یا حرام

۱- محل اجرای اصل تخمیر در دوران بین محذورین یا بین در حکم الزامی

۲- اقوال در دوران بین محذورین - ۴ تا قول - یکی تفسیر حرم آخوند

۳- تفسیر حرم آخوند در دوران بین محذورین

۴- چرا در دوران بین محذورین برائت عقلی و قاعده قبح عقابلا بیان جاری

۵- قاعده استتفال یا اصل احتیاط

امامة التفسیر

در دوران بین محذورین اقوال را نوشته و تفسیر حرم آخوند را با دلیل توضیح دهید

سوال امتحان * دلیل آخوند در اثبات تفسیر خود تحلیل کنید

اقوال در دوران بین محذورین به طور مختصر

برائت عقلی به علت قاعده قبح عقابلا بیان

قول اول - برائت عقلی و نقلی هر دو جاری می شود

برائت عقلی - به علت عدم بیان است

مالا یعلمون

قول دوم - اگر مرجعی باشد همان طرف را می گیریم اگر مرجعی نباشد اصل تخمیر است

قول سوم - از تفسیر عقلی در دوران بین محذورین اصل تخمیر جاری می شود

از تفسیر شرعی و حکم توقف می کنیم به هیچ طرف حکم نمی کنیم

۱۴۰۲، ۹، ۲

سوال امتحان

Date:

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

تفسیر اصول

سوال چهارم ← در مقام عمل حکم به تخییر عقلی می کنیم
در مقام حکم، حکم به اباحه می شرعی می کنیم

تفسیر عموم اصول

دلیل اولی اصولی ← اولاً ← دلیل تخییر عقلی بین فعل و ترک فعل هیچ گونه شرعی نیست

و بین دو حکم الزامی قرار گرفته ایم بنابراین عقل به ما دستور می دهد که در انتخاب

یکی از این دو محدودین محتار هستیم (یعنی تاخیر عقلی)

ثانیاً ← دلیل اباحه می شرعی ← عموم روایت جلیب (یا روایت حلال) که

فرمود: کل شیء تک حلال حتی تعلم انه حرام
همه چیزها برای شما حلال است.

لذا مانع عقلی و تقوی در این جا وجود ندارد.

(مانع تقوی یا شرعی در مورد سجات بددی قبل از قضا است) و در این جا

این مانع وجود ندارد اما مانع عقلی هم در این جا وجود ندارد (چون مانع عقلی در

سجات محصوره است زیرا مکلف در این جا نمی تواند مخالفت حکم قطعی کند به

لحاظ اینکه یا باید فعل یا تارک و نمی تواند هیچ یک نباشد و چون ارتفاع

تقتضی بحال است و از طرف دیگر هم اجتماع تقتضی ممکن نیست

۱۴۰۲، ۹، ۲

Date: _____

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject: _____

حصر در دوران بین محدودین برائت عقل و قاعدهی قبح عقاب بلا بیان جاری نمی شود

حرفی که خوانده می فرماید در اصل تخیر ما علم اجمالی به وجود تکلیف داریم و آن بیان است

ولی در قاعده قبح عقاب بلا بیان هیچ بیانی نیست و ما در اصل تکلیف نکردیم

حکم عقل در دوران بین محدودین در چه صورتی تحقق پیدا می کنند؟

در صورتی که هیچ یک از طرفین محتمل الترجیح نباشد (یعنی حرفی نباشد) یعنی

احتمال ترجیح نباشد و چنانچه یکی از طرفین محتمل الترجیح باشد همان طرف

را می گیریم برائت الذمه حاصل می شود.

قول پنجم ← قاعده استفعال یا اصل احتیاط

مجرای اصل استفعال یا اصل احتیاط چیست؟؟؟

مجرای اصل استفعال آنجایی است که ما می دانیم که تکلیفی بر ذمه داریم اما

تک در مکلف به داریم یعنی نمی دانیم این واجب نماز ظهر است یا غبار عصر

در اصل احتیاط جایی که مکلف شک دارد در دو مقام بحث می شود:

① در دوران امر بین متباینین ② در دوران امر بین اقل و اکثر

۱- در دوران امر بین متباینین ← آنجایی است که مکلف یقین دارد که

۱۴۰۲، ۹، ۲

Date:

Sat Sun Mon Tue Thu Wed Fri

Subject:

و جوبى بر زمدهى او هست (يعنى زمده ما تکليف و جوبى دارد) اما تک دارد نه

مكلف به نماز ظهر است يا نماز صبح يا نماز عصر که در اين صورت هر دو

متباين هستند که در اين جا بايد احتياط کنيم (هر دو نماز را بخوانيم)

۱۴۰۲، ۹، ۹

جله هفتم

اصل احتياط ← حجب اهل احتياط ← يعنى علم اجمالى به تکليف ولى در مكلف به تنگ داريم

در حجب اهل احتياط و علم اجمالى در دو مقام بحث مى شود

دوران امر بين متباينين ← دوران امر بين اهل واکر

اهل واکر استقلالى (خارج از حجب) ← اهل واکر ارتباطى (محل حجب)

تعلق در انتاد جائز نيت ← (زوجت)

تعلق در انتاد جائز است ← (مثلاً از دواج مى لنى بعد از عروسي مى ليرى)

شبه محصوره ← دوليوان داريم و علم اجمالى داريم بكنى از اين دوليوان شراب

است اما نمى دانيم کدام يك شراب است ← اصل احتياط جارى مى شود

۱۴۲۹، ۹، ۹

نکته: وجوبه سے انجام میں دہیم
تحریر سے پرہیز میں کتیم

Date: / /

Sat Sun Mon Tue Thu Fri

Subject: / /

در مقام بحث
دوران احرام میں متباینین
دوران احرام میں اقل و اکثر

دوران احرام میں متباینین

میں دانسیم کہ اجمالاً تکلیف وجوبی داریم ولی غنی دانسیم کہ مکلف بہ یا حال میں خارجی
کدام است یعنی قدر متیقنی وجود ندارد، لہذا در این جا احتیاط میں کتیم الرد شعبہ

وجوبہ موضوعیہ باید حرد دوران انجام میں دہیم (غاز غفر و غار جمعہ) یا (غاز کحل
یا غار شمس) میں دانسیم نماز واجب است امامی دانسیم نماز کامل است یا سلسلہ حردو
رامی خوانسیم

والرد شعبہ تحریر سے موضوعیہ باید احتیاط میں کتیم از حردو پرہیز میں کتیم یعنی

عن دانسیم لیوان شمارہ یک باید بالتوال شمارہ دو، احتیاط میں کتیم
واز حردو پرہیز میں کتیم

قاعدہ
الاتصال الیقینی بعدمی البراۃ الیقینی

اتصال یقینی، برائت یقینی میں خواہد

دوران احرامین اقل والشر

دو قسم است: یکی اقل والشر استقلالی و اقل والشر ارتباطی

در اقل والشر استقلالی

آن است که اگر شر واجب باشد اقل به همان اندازه ای

اگر محض غرض حلال است و از شر جداست و واجب است مثلاً من دانم بیت نماز قضا

بر زهدی من است یا چهل نماز قضا در این جا علم اجمالی انحلال پدید می آید نسبت به اقل

علم تفضیلی پدید می آید (یعنی کمتر از بیت نماز قضا نیست) و نسبت به اکثر که (چهل نماز قضا)

شک بدوی حاصل می شود و چون قدر متیقن ما اقل است به اقل عمل می کنیم و در اکثر

برائت جاری می کنیم (چون در شک بدوی، اصل برائت جاری می شود)

در اقل والشر استقلالی از محل بحث ما خارج است مرحوم آخوند می گوید

در اقل والشر ارتباطی

به این معناست که منی دانم آیا نماز با سوره بر من واجب است

یا نماز بدون سوره؟ نماز بدون سوره می شود اقل و نماز با سوره می شود اکثر

در این جا در واقع اکثر واجب است و مکلف باید اقل را هم بیاورد

و حیاتی اقل را انجام ندهد هیچ کاری نکرده مثلاً آیا نماز ده چیزتی واجب است یا یازده چیزتی؟

اگر در واقع یازده چیزتی واجب باشد انجام ده چیزتی فایده ای ندارد باید یازده چیزتی را

بخوانیم که اقل هم در اکثر وجود دارد اینجا باید احتیاط کنیم

در شجاعت مقرون به علم اجمالی احتیاط می کنیم علم اجمالی عنین تظلیف است در شک بدوی به برائت جاری می کنیم

تقریر مرحوم آخوند

مثل علم تفضیلی ۲۵

اقوال در اقل و اکثر ارتباطی را نوشته و نظر مرحوم آخوند را مشخص کنید؟

و دلیل آخوند را در اثبات ادعای خود بنویسید؟

سوال حتی امتحان

به قول وجود دارد:

قول اول: نظر مرحوم شیخ انصاری در مسائل \Leftarrow در اقل و اکثر ارتباطی نسبت به اکثر که

مسلوک است برائت جاری می کنیم و نسبت به اقل احتیاط می کنیم و انجام می دهیم و فرقی میان عقل و نقل نیست هر دو نسبت به اکثر برائت می نویسند.

روایت شرع \Leftarrow هم عقل و هم شرع می نویسند برائت کن

قول دوم: نظر مرحوم مکینی \Leftarrow در حالتی که کفایه \Leftarrow می فرماید نسبت به اکثر

احتیاط می کنیم هم به حکم عقل و هم به حکم شرع (وقتی نسبت به اکثر احتیاط می کنیم اقل هم احتیاط می کنیم)

قول سوم: نظر مرحوم آخوند در متن کفایه \Leftarrow میان حکم عقل و شرع فرق قائل می شود که

می نویسند عقل حکم به احتیاط می کند (یعنی اکثر را انجام می دهد) ولی از نظر شرع حکم به

برائت می کند (یعنی عقل می نویسند استغفال یقینی برائت یقینی)

جله هتم

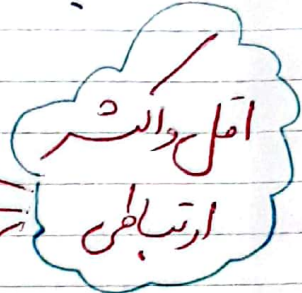
۱- تعریف استصحاب

۲- استصحاب بر چند نوع است؟ ۲ نوع

۳- ارکان استصحاب ۴ ارکن

۵- تک در رافع و تک در مقتضی استصحاب جاری می شود

۶- استصحاب کلی چیست؟ اقسام آن



شیخ انصاری

آقای مشکینی در حاشیه گفته

مرحوم آخوند و دلائل مرحوم آخوند

خلف
تناقض

دلائل مرحوم آخوند جنبی بر اینست که از لحاظ حکم عقلی در اقل و اکثر ارتباطی احتیاطی کنیم

و از نظر شرعی بر اینست



چون علم اجمالی مثل علم تفصیلی در تمام جهات تکلیف فعلی را قطع می کند و منبذ می کند لذا در این جا محل احتیاط است



مقاعدای استفعال استدعا دارد که انسان باید به برائت یقینی برسد و برائت یقینی حاصل نمی شود حاصل نمی شود مگر این که احتیاط کنیم و اگر انجام بدهیم

☆ ایراد مرحوم آخوند به تفکر شیخ انصاری

خلف
تناقض

مرحوم آخوند به شیخ انصاری در تمام اشکال می گوید تمام ناخبردها نیستند

۱- اشکال اول خلف بر این معنا که اگر اقل تمام مأمور به باشد و وجوب نفسی دارد

و اگر اجزاء مأمور به باشد وجوب غیری دارد لذا در وجوب اقل ۲ احتمال است ↓

۲۷ وجوب نفسی و وجوب غیری

منابر اسخ می توانیم و خوب غیری اقل در صورتی محقق می شود که اگر هم واجب باشد زیرا
اقل مقدمه می شود و اگر می شود ذی مقدمه و اقل می شود مقدمه

۲- اشکال دوم < تفاقمی به این معناست که شیخ انفاری حکم به عدم وجوب اگر
کرد و گفت برائت جاری کنید لکن در عدم وجوب اگر این است که مقدماتش یا
اخبارش واجب نباشد و حال آنکه هم اقل واجب است و هم اکثر واجب است
اگر اقل واجب نباشد نمی توانیم بگوئیم علم اجمالی انحلال پیدا می کند

استصحاب

۱- تعریف استصحاب < عبارت است از ابقاء ماکان (ابقاء چیزی که بوده
حال چه در حکم و چه در موضوع) ابقاء ماکان < ابقاء حکمی
ابقاء موضوعی

۲- استصحاب بر چند نوع است ؟

استصحاب دو نوع است < ۱- استصحاب حکمی ۲- استصحاب موضوعی
۱- استصحاب حکمی < مثل این است که ما در زمان سابق به طهارت یقین داشتیم
ولی در بقاء آن شک می کنیم در این جا حکم به طهارت می کنیم
می دانیم که در وقت
و منظر داریم
۲- استصحاب موضوعی < در باره ی موضوعی که دارای حکم شرعی است شک می کنیم قلاً
ما یقین داریم که این خارج خمر است (در آب است) بعد از آن شک می کنیم که اگر آب
خمریت آن باقی است یا غیره ؟ در این جا حکم به خمریت آن می کنیم این استصحاب
موضوعی است

۳- ارکان استصحاب → خیلی مهم ۶ رکن دارد

۱- رکن اول ← یقین سابق ← مثلاً یقین به وضو یا یقین به طهارت یا یقین به خیریت

۲- رکن دوم ← شک لاحق ← ابتدا یقین داریم و بعد شک به وجود می آید

۳- رکن سوم ← اجتماع یقین و شک در زمان واحد ← یعنی همان زمان رسیدن وقت

منازعه یقین به وضو داریم و هم شک به وضو داریم ← تبصره ← در این جا شک ساری خارج

می شود. (شکی که به یقین سرایت می کند و یقین ما را از بین می برد)
 شک ساری = معلقه یقین

فرق استصحاب و شک ساری در چیست؟

زیرا در استصحاب یقین و شک در یک زمان اجتماع می کنند ولی در شک ساری یقین

و شک در دو زمان واقع می شود. مثال برای شک ساری ← مثلاً روز جمعه یقین

به عدالت زید داریم و در روز شنبه شک می کنیم که آیا برای روز جمعه زید عادل بوده

است یا نه؟ این مثال شک ساری است و در این جا شک روز شنبه به یقین روز

جمعه سرایت می کند و یقین را از بین می برد.

۴- رکن چهارم ← تعدد زمان متیقن و مشکوک ← متیقن وضو صبح بوده مشکوک وضو عصر است

۵- رکن پنجم ← وحدت متعلق یقین و شک (موضوع یکی است وضو) (صبح یقین به وضو داریم و الان شک به

وضو داریم) ← شک مقتضی ممانع را خارج می کند (چون در مقتضی و مانع موضوع دو است) مثل

آب و آتش ← آتش روشن بود بعد مدتی سبک می کشیم که آتش به وسیله ی باران
مانع معتنفی

یا آب خاموش نموده است این جا التصحاب نسبت چگون موضوع دو تا است آب
و آتش اما در التصحاب موضوع یکی است و آن وضو است یا لباس است.

۴- رکن ششم ← زمان مقتضی بر زمان منکول مقدم است (ابتدای یقین دانستیم
که ما نموداریم اما الان سبک داریم که در گذشته وضو داشتیم یا خنجر)

در این جا التصحاب ^{تقدیر تک بر یقین} محقرایی خارج می شود و التصحاب محقرایی معتبر نسبت
وارد می شود

التصحاب اصطلاحی ← یقین سابق منکول لاحق

التصحاب محقرایی ← منکول سابق یقین لاحق ← اعتبار ندارد

سؤال التصحاب محقرایی ← این است که ما یقین داریم که لفظ الصلوة برای نماز است
اما سبک داریم که آیا در زمان پیامبر ص، لفظ صلوة هم برای نماز بوده یا برای دعا؟

در این جا ما نمی توانیم التصحاب کنیم تنها اصل عدم نقل را جاری می کنیم یعنی و این
التصحاب اعتبار ندارد

سؤال قانونی التصحاب محقرایی ← زید در زمان گذشته مقداری از مال فرزند فقیر

خودش را برای خودش برمی دارد و مصرف می کند و فرزند زید پس از اینکه بالغ می شود
علیه زید طرح دعوا می کند و مال مزبور را مطالبه می کند اما در زمان حال زید فقیر
می باشد الان یقین داریم زید فقیر است ^{مطابق م ۱۲۰۰ قانون مدنی} نفقه ی

۱۴۰۲، ۹، ۲۳

ابویں (پدر و مادر) بر عہدہ ہی فرزندان است در این هنگام پدر ادعا می کند کہ در

زمان مصرف مال فرزندش فقیر بوده و نفقہ سی پدر بر عہدہ ہی فرزندش می باشد

از آن جایی کہ استحقاق پدر در برداشت از مال فرزندش مسلم است می باشد در این جا

تمسک بہ موضوع داریم اما از طرفی دیگر در زمان طرح دعوا یقین بہ فقیر بودن پدر داریم

آیا می توان این یقین بہ فقیر بودن پدر در زمان حاضر را بہ زمان گذشته بکشانیم؟

کہ در این جا نمی توانیم این کار را انجام دهیم بہ عبارتی نمی توان بر اساس استصحاب

محقق این یقین را بہ زمان گذشته بکشانیم و چنین استصحاب اعتبار ندارد و در باب

مرور زمان نمی توان بہ استصحاب فقیر این تمسک کرد.

سوال مهم

آیا در باب مرور زمان می توان بہ استصحاب فقیر این تمسک کرد؟

خیر نمی توان ← جواب در بالا ↑ ← اصل عدم نقل است.

سوال امکان

استصحاب را تعریف کردہ و فرقی آن را با شک ساری، قاعدہ ی مبتنی و

مانع و استصحاب فقیر این بنویسید؟

حتمی

سوال مهم

آیا در تمسک تقدیری استصحاب جاری می شود یا نہ؟ در استصحاب باید تمسک فعلی

باشد نہ تقدیری، تمسک فعلی آن است کہ من همین الان بہ تمسک خود توجہ دارم.

ولی در تمسک و یقین تقدیری استصحاب جاری نمی شود

مثلاً من بہ یقین تقدیری من بہ تمسک خود توجہ دارم و ہنگام وارد شدن بہ نماز توجہ ندارم

۱۴۰۲، ۹، ۲۳

که می شود تقدیری. در تعیین وقت فعلی استصحاب جاری است.
 قلاً من وضو ندارم و فراموش می کنم وارد نماز می شوم و بعد از نماز متذکر می شوم
 که آیا هنگام ورود به نماز وضو داشته ام یا نه؟ که در این جا قاعده ای فرائع
 جاری می کنیم و نمازی که خواندیم درست است اما برای نماز بعدی باید وضو
 بگیرم و نماز بخوانم.
 فرائع بعد از انجام عمل است. تجاوز بین انجام عمل است.

۳ ادله ی حجیت استصحاب

۱- بنای تعبیری عقلاء

۲- ظن به بقای حکم

۳- اجماع

۴- اخبار (مردوم آفونند خراسانی فقط اخبار را قبول دارد و بقیه را رد می کنند)